

تربیت‌یافتگی سیاسی در اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی

مریم برادران حقیر*

میلاذ موحدیان**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

چکیده

تربیت سیاسی از جمله ساحت‌های تربیتی‌ای است که در نظام آموزشی معطوف به جامعه‌سازی بدان پرداخته می‌شود. در پی بررسی اندیشه و سیره سیاستمداران که دارای شاخصه‌هایی قابل قبول از حیث اعتقادی و اخلاقی هستند، می‌توان به مؤلفه‌هایی از تربیت سیاسی دست یافت که علاوه بر اعتبار، قابلیت به‌کارگیری دارند و به واقعیت نزدیک هستند؛ بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر، بررسی مؤلفه‌های تربیت‌یافتگی سیاسی مبتنی بر اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی بوده است. با توجه به وجود منابع مکتوب مناسب در این زمینه، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند، مرتبط‌ترین آثار مکتوب برجای‌مانده از آیت‌الله مهدوی کنی، مشتمل بر مباحث تربیت سیاسی انتخاب و پس از پایش اولیه، پیکره اصلی داده‌ها فراهم شد. در نمونه‌های انتخابی، کتاب‌های تألیفی آیت‌الله مهدوی کنی، کتاب‌های نگاشته‌شده درباره ایشان، مصاحبه‌ها و تاریخ شفاهی تدوین‌شده قرار دارند. با انتخاب روش تحلیل مضمون، ضمن مطالعه اسناد و تدوین فیش‌های مطالعه به‌عنوان واحد تحلیل، با بهره‌گیری از وجوه مشترک موجود میان مضامین، در نهایت، چهار مفهوم کلی بدین شرح به دست آمد: شرع‌محوری با سه مضمون التزام به ادای تکلیف، پایبندی به اصل ولایت فقیه و رعایت حق‌الناس؛ اخلاق‌مداری با چهار مضمون اعتدال پایدار، جذب حداکثری، اخلاص در سیاست‌ورزی و نتیجه‌محوری به جای نیت‌خوانی؛ قانونمندی با سه مضمون اجتناب از قانون‌شکنی، عمل کردن بر مبنای قانون و جلوگیری از بی‌قانونی؛ انقلابی بودن با چهار مضمون داشتن شم سیاسی، جرئت و جسارت انقلابی، قاطعیت در اجرا و خدمت کردن به مردم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد الگوهای ظاهرشده بین مضامین و مفاهیم، متداخل هستند و در امتداد یکدیگر قرار دارند؛ بدین شرح که در اندیشه و سیره عملی مورد بررسی، شرع‌محوری، بنای دیگر مفاهیم است و انقلابی بودن بر مبنای قانونمندی و اخلاق‌مداری، بر پایه‌های شرع و آموزه‌های دین مبین اسلام بنا می‌شود.

واژگان کلیدی: تربیت سیاسی، تربیت اسلامی، آیت‌الله مهدوی کنی، انقلاب اسلامی.

* استادیار گروه معارف اسلامی و علوم تربیتی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. baradaran@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

milad.movahedian@gmail.com

بیان مسئله

به طور کلی، دو رویکرد کلان به مقوله تعلیم و تربیت سیاسی وجود دارد: در رویکرد اول، سیاست قائم به تدبیر، مصلحت‌اندیشی، حکمت، آینده‌نگری مبتنی بر مسئولیت‌پذیری، احترام متقابل، شناخت حقوق مدنی، و انتخاب آگاهانه و آزاد است. در رویکرد دوم، سیاست قائم بر مفاهیمی مانند دولت، حکومت و قدرت است. رویکرد اول در آموزش عمومی و مدرسه‌ای، و رویکرد دوم در برنامه درسی آموزش تخصصی و آموزش عالی مورد توجه قرار می‌گیرد (امینی زرین، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۲). به هر حال، تربیت و سیاست، رابطه‌ای پیچیده، دوسویه و اجتناب‌ناپذیر دارند و دولت‌ها می‌کوشند آموزش را در مقاطع گوناگون کنترل کنند؛ ولی گاه از این مسئله غافل می‌شوند که گسترش آموزش، خود به صورتی عمیق بر کیفیت تفکر سیاسی افراد اثر می‌گذارد و قادر به ایجاد تحولات بسیار در طرز تفکر سیاسی آنان است؛ بنابراین، تربیت سیاسی‌ای که از مجرای نهادهای آموزشی عبور می‌کند، آثاری ناخواسته دارد که نه مترتب بر محتوای تربیت سیاسی، بلکه ناشی از نفس تأثیر آموزش و گسترش کمی و کیفی آن بر شیوه تفکر و زندگی انسان است که می‌توان از آن تحت عنوان «تأثیرات پنهان» و به طور کلی، «تربیت سیاسی» یاد کرد (رنجبر، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۴).

عده‌ای معتقدند:

امروزه، تربیت سیاسی در محدوده معنای جامعه‌شناختی قرار دارد و مبتنی بر مباحث جامعه‌پذیری سیاسی است. در این معنا شاخصه‌هایی برای تربیت سیاسی بیان می‌شود که نوعاً به معنای پذیرش ظاهری و تثبیت تدریجی اصول و قواعد سیاسی مندرج در قوانین مصوب بشری است؛ به گونه‌ای که فرد بتواند در فرایند مشارکت سیاسی، نقش بیشتری ایفا نماید؛ درحالی که تربیت سیاسی در معنای فضیلت‌مدارانه، به پرورش معنوی و باطنی انسان‌های آزاد و بااراده نظر دارد که نه تنها تأثیر بسزایی در سامان‌دهی زندگی اجتماعی این جهان او دارد؛ بلکه به هدفی والاتر چشم دوخته که همان فراهم‌سازی مصالح و نیل به سعادت آن‌جهانی است (بابلی، ۲۶ مهر ۱۳۹۴).

درمقابل، از نظر عده‌ای دیگر، سیاست و آموزش، فعالیت‌ها و حوزه‌های گفتمانی مستقلی هستند و این نگاه در نظریه آموزشی جا افتاده است. سیاست باید کاملاً از برنامه درسی حذف شود و تدریس به‌عنوان مجموعه‌ای محدود از وظایف حرفه‌ای خاص

تعریف می‌شود که معلمان برای انجام‌دادن آن‌ها استخدام می‌شوند (Stevens, 1987, p. 78)؛ اما سیاست، یک فرایند تعاملی جمعی برای اداره‌کردن جامعه و تصمیم‌گیری است که در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نفوذ می‌کند و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی هر فرد در جامعه اثر می‌گذارد؛ بنابراین، ضرورت توجه به آن، انکارناپذیر است (Pacho, 2014, p. 10).

اینکه برخی کوشیده‌اند آموزش و تربیت را بری از سیاست بدانند، به این مسئله اشاره می‌کند که سیاست چگونه تعریف و چه اهدافی برای آن تصور می‌شود.

براساس معرفت‌شناسی و حیانی، یاددهی و یادگیری باید مبتنی بر فطرت، توان، اراده و اختیار آزاد (ایمان و عمل صالح) یادگیرنده صورت گیرد؛ لکن احترام به آزادی و اختیار یادگیرنده، اندیشیدن به‌جای حفظ اندیشه‌های دیگران، جلوگیری از تعصب و دعوت به گفت‌وگو، جز از راه دستیابی به یقین فکری و آرامش روانی میسر نمی‌شود؛ از این رو، تبیین دقیق فطرت (خواست حقیقی و پایدار انسان) و تحلیل آن می‌تواند در تولید گزاره‌های تجویزی حوزه معرفت‌شناسی برنامه درسی تربیت سیاسی کمک کند (حمیدزاده، ملکی و بهشتی، ۱۳۹۵، ص. ۷۱).

اگر مفاهیم کلیدی تربیت با «فرایندی برای پرورش رشد» و «شکوفایی استعداد»، و مفاهیم کلیدی سیاست با «تدبیر و هدایت در جامعه» و «قدرت»، قابل فهم باشد، تربیت سیاسی به‌معنای فرایند دگرسازی شهروندان به‌منظور شکوفایی و پرورش استعدادها و رفتارهای سیاسی آنان در نظام‌های سیاسی است (پورفرد، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۴-۱۲۵). تربیت سیاسی، پرورش‌دادن آگاهی افراد در بستری از حق آزادی و انتخاب برای شناخت ولایت خداوند متعال و امتداد آن است تا ایشان ملاک‌های الهی در تحقق‌یافتن اهداف حاکمیت را بازشناسند و مسئولیت‌پذیری را برای نقش‌آفرینی و نظارت در نظام اسلامی تمرین کنند و زمینه‌ساز ظهور حکومت جهانی و وحدت صلح‌طلبانه ملت‌ها شوند (شکری، ۱۴۰۰)؛ بنابراین، تربیت سیاسی به‌عنوان یک اقدام راهبردی فرهنگی-اجتماعی، نیازمند زمینه‌ها و شرایطی مناسب است که تمهید آن به افراد جامعه امکان می‌دهد ضمن مشارکت فعالانه در این عرصه، متناسب با سطح انتظارات، نیازها و ضرورت‌ها از آثار و نتایج آن بهره‌مند شوند (افتخاری و مهجور، ۱۳۹۵، ص. ۹۶).

نظریه‌های موجود در حوزه تربیت سیاسی، عموماً در قالب سه دسته عرضه می‌شوند: دسته اول، نظریه محافظه‌کاری (حفظ وضع موجود) که خود حاوی سه نظریه است: دیدگاه انتقال فرهنگی (مانند پارسونز و دورکهایم^۱)، کارکردگرایی (مانند کنت^۲) و انطباق (مانند لوتر و پارسونز^۳). این نظریه به دنبال حفظ سنت‌های اجتماعی کهن و انتقال دادن آن‌ها به نسل‌های بعدی، و هدایت فکری و سیاسی افراد جامعه است؛ بنابراین، هدف از این نگرش که در دولت‌های تمامیت‌خواه دیده می‌شود، تربیت کردن مریدان و حامیان رهبران و نظام سیاسی است. دسته دوم، مکتب انتقادی و خود حاوی چهار نظریه است: بازتولید، مقاومت، بازسازی اجتماعی و ارزیابی نظریه مقاومت. این مکتب بر آموزش و پرورش انقلابی و آزادی‌بخش، و ترسیم سیمای تربیتی مبارزی سیاسی-اجتماعی تکیه می‌کند و بنابراین، تربیت انسان منتقد و خلاق برای دگرگون کردن جامعه را در نظر دارد تا طلایه‌دار ایجاد تحول باشد. دسته سوم، نظریه پسامدرن (همدردی با نظریه انتقادی و دارای مایه‌های دموکراتیک) مبتنی بر تکررگرایی فرهنگی، برابری و اجتناب از استیلای فرهنگی خاص را شامل می‌شود. این نظریه به تربیت شهروندان مستقل و نقاد و مشارکت‌جو، ترویج تساهل و قانون‌گرایی، تمرین مشارکت دموکراتیک، رشد توانایی افراد برای شرکت کردن در مذاکره و تبدیل کردن دموکراسی سیاسی به روش عمومی زندگی اهتمام دارد (رنجبر، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۸؛ موسوی الیگودرزی، ۱۳۸۷، ص. ۷۷-۷۸).

تربیت سیاسی نزد دانشمندان و صاحب‌نظران اسلامی نیز جایگاهی ویژه دارد؛ چنان که این مقوله از منظر ابن‌مسکویه و نراقی در حیطه اخلاق، از منظر فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی و مطهری در حوزه حکمت عملی و تدبیر مدن، از دیدگاه کسانی مانند ابن‌خلدون و شهید بهشتی در علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی، و از دیدگاه صدر و امام خمینی (ره) در حوزه فقه سیاسی تعریف شده است (پورفرد، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۵-۱۲۶؛ امینی زرین، ۱۳۹۹، ص. ۹۱-۹۲)؛ البته در دیدگاه صدر نیز به اخلاق‌مندی رفتار دولتمردان

1. Parsons and Durkheim
2. Auguste Comte
3. Luther and Parsons

براساس شریعت اسلامی اشاره شده است (فاضلی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۰) و بنابراین، موضوع تربیت سیاسی را می‌توان یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان مسلمان به‌شمار آورد.

پیشینه پژوهش

در بررسی ادبیات تحقیق، پژوهش‌ها را بر دو حیطه موضوعی در تربیت سیاسی می‌توان تقسیم کرد: نخست، پژوهش‌هایی که در آن‌ها به عوامل مؤثر در تربیت سیاسی پرداخته شده و دوم، پژوهش‌هایی که در آن‌ها مفهوم، مبانی و اصول تربیت سیاسی مدنظر قرار گرفته است. در ادامه، این دو دسته را بررسی می‌کنیم:

الف) پژوهش‌های دسته اول (بررسی عوامل مؤثر در تربیت سیاسی):

در پژوهشی که در شهر کاشان صورت گرفته است، نتیجه آماری بررسی ۳۵۰ دانش‌آموز و ۳۵۰ دبیر در مقطع متوسطه نشان می‌دهد برنامه درسی اثربخش نبوده است (امینی، صدیق ارفعی و قدمی، ۱۳۸۸). تحلیل محتوای درسی، بررسی فعالیت‌های فوق‌برنامه، و مصاحبه با مدیران و مربیان پرورشی شهر سنندج درباره دامنه فعالیت‌های انجام‌شده از سوی عوامل اجرایی نشان می‌دهد رویکرد غالب در ایران از نوع ایدئولوژیک، محافظه‌کارانه و منفعل است. از میان مفاهیم تربیت سیاسی، بیشترین تأکید بر مفاهیم کلاسیک (شامل ایدئولوژی، مشروعیت، اقتدار و قدرت) و مفاهیم واسطه‌ای (مشمول بر فرهنگ سیاسی) بوده است. فعالیت‌های فوق‌برنامه، محدود به مسائل ایدئولوژیک و فرهنگ سیاسی حاکم‌اند و آگاهی‌نداشتن عوامل اجرایی از مفاهیم تربیت سیاسی، از عوامل مؤثر بر این نتایج هستند؛ همچنین با توجه به کثرت‌گرایی فرهنگی و قومی در ایران به مفاهیم جدید تربیت سیاسی مانند مدارا و آزادمنشی به‌عنوان کلیدی‌ترین مهارت‌ها برای زندگی کردن در جوامع دموکراتیک توجهی نشده است (احمدی، ۱۳۸۹). طیبی‌نیا و نقدی (۱۳۹۱) با استفاده از روش پیمایشی، مشارکت سیاسی دانش‌آموزان متوسطه در استان همدان و عوامل مرتبط با آن را بررسی کرده‌اند و در پژوهش آنان عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانش‌آموزان عبارت‌اند از: عوامل دارای اثر مثبت، شامل رضایت تحصیلی، رضایت سیاسی، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، رادیوی داخلی، روزنامه‌ها و مجله‌ها، تعهد دینی و شیوه تربیتی خانواده؛ عوامل دارای تأثیر منفی، شامل رادیوهای خارجی، ماهواره و درآمد خانوار (طیبی‌نیا و نقدی، ۱۳۹۱). پژوهش مولایی (۱۳۹۴)

درخصوص نمونه‌ای مشتمل بر ۳۹۵ دانش‌آموز دختر و پسر دوره متوسطه دوم در شهر اردبیل نشان می‌دهد میان نوع دوستی و گرایش عملی به مذهب با مشارکت اجتماعی، همبستگی معناداری وجود دارد؛ درحالی که فقط میان نوع دوستی با مشارکت سیاسی، همبستگی مثبت معنادار مشاهده می‌شود. تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان می‌دهد ۲۱/۸ درصد از واریانس مربوط به مشارکت اجتماعی و ۱۱/۱ درصد از واریانس مشارکت سیاسی از طریق رفتارهای نوع دوستانه و گرایش‌های مذهبی تبیین می‌شود. یافته‌های پژوهش مولایی، بیانگر آن است که افزایش سطح رفتارهای نوع دوستانه و تقویت گرایش‌های مذهبی، مشارکت اجتماعی و سیاسی را افزایش می‌دهد (مولایی، ۱۳۹۴). در پژوهش افتخاری و مهجور (۱۳۹۵)، براساس اندیشه شهید مطهری، تربیت سیاسی در اسلام، دارای رویکرد چندعاملی و تعاملی است و سه پایه اصلی تربیت سیاسی در اسلام، عبارت از حکومت، خانواده و عالمان دینی هستند که تربیت سیاسی در صورت تعامل آن‌ها و ایفای نقش صحیح هریک محقق خواهد شد. در این میان، حکومت‌ها از طریق رسانه‌های دراختیارشان و آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین متصدی تربیت در حکومت، وظیفه آگاهی بخشیدن به جامعه را برعهده دارند (افتخاری و مهجور، ۱۳۹۵). عبدالله و زارع (۱۳۹۶) در پژوهشی که درخصوص نمونه‌ای از شهروندان شیراز انجام داده‌اند، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان را به ترتیب، عبارت از رسانه‌ها، خصلت‌های فردی، دولت، آموزه‌های دینی و مراکز علمی دانسته و دو شاخص اجتماع و وضعیت اجتماعی-اقتصادی را در این حوزه، بی‌اثر شمرده‌اند. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نظری در مقوله‌های بُعد سیاسی اهداف مصوب در کتاب‌های مطالعات اجتماعی پایه اول، جامعه‌شناسی پایه دوم و سوم، و تعلیمات اجتماعی پایه چهارم نشان می‌دهد در این کتاب‌ها برای ایجاد احساس مسئولیت در دانش‌آموزان با هدف‌هایی همچون فراهم کردن زمینه‌های وحدت مسلمین تلاش بسیار شده است؛ درحالی که مقوله آشنایی با شیوه‌های استعمار نوین و دانستن راه‌های مقابله با آن، کمترین میزان توجه را به خود اختصاص داده است و این کم‌توجهی، بروز تغییر تدریجی در جهان‌بینی، فرهنگ، باورها و بینش سیاسی دانش‌آموزان را در پی دارد؛ زیرا سست کردن مردم و بی‌اعتنا کردن آنان به

سرمایه‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی، از فعالیت‌های مهم استعمار است (جعفری هرنندی و نجفی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۹-۱۸۰).

در میان پژوهش‌های خارجی، بیشترین محتوا درباره تربیت سیاسی، در مقوله مشارکت سیاسی نگاشته شده است. براد^۱ (2016) در تحقیق خود، نتایجی جالب از پژوهش‌های انجام‌شده را بیان کرده است؛ همچنین پلکونن^۲ (2012) تأثیر اصلاحات آموزشی و افزایش مدت‌زمان تحصیلات اجباری را در نروژ مطالعه کرده و دریافته است آموزش بر انواع مختلف مشارکت سیاسی، تأثیری قابل توجه ندارد. سیدلر^۳ (2010) در پژوهش خود، اصلاحات آموزشی در آلمان را تحلیل کرده و شواهدی اندک از اثر علی را یافته است. برینسکی و لنز^۴ (2011) برای انجام‌دادن تحقیق خود، از آزمایش طبیعی خدمت اجباری سربازی استفاده کردند که در طول جنگ ویتنام صورت گرفت و به سطوح مختلف تحصیل در میان مردان جوان منجر شد. آن‌ها به‌صورت مشابه با پژوهش‌های یادشده دریافتند آموزش بر مشارکت سیاسی هیچ اثری ندارد؛ اما برخلاف مطالعات صورت‌گرفته در بریتانیا و همچنین مطالعات گسترده انجام‌شده در اروپا، تأثیرات مثبت علی در ایالات متحده مشاهده می‌شود؛ البته پژوهش برینسکی و لنز بر افراد دارای وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف متمرکز شده است. برای رفع این موانع، تحقیقاتی به‌شیوه تطبیقی با توجه به همسان‌سازی جامعه صورت گرفته است که در برخی از آن‌ها (Mayer, 2011) نشانی از اثر علی به‌ویژه در تحصیلات پس‌از متوسطه و در بعضی دیگر (Kam and Palmer, 2008 and 2011; Henderson and Chatfield, 2011; Persson, 2014) فقدان این اثر مشاهده می‌شود (As Cited in Brade and Piopiunik, 2016)؛ بنابراین، لازم است تحقیقات بیشتر و دقیق‌تری در این حوزه صورت گیرد.

ب) پژوهش‌های دسته دوم (بررسی مفهوم، مبانی و اصول تربیت سیاسی):

پورفرد (۱۳۸۷) در پژوهش خود، مفاهیم کلیدی تربیت سیاسی از منظر شهید مطهری، شهید صدر و شهید بهشتی را بررسی کرده و نشان داده است از نظر شهید مطهری، فطرت،

1. Brade and Piopiunik
2. Pelkonen
3. Seidler
4. Berinsky and Lenz

اختیار و آزادی انسان، مفاهیمی کلیدی هستند و تربیت سیاسی می‌تواند فطرت خداجوی انسان را بیدار کند و به کامیابی برساند. شهید صدر ضمن بیان نظریهٔ خلافت انسانی، آزادی و عقلانیت را بررسی کرده است؛ بدان معنا که از نظر ایشان، هدف نامحدود روند تکاملی انسان تا رسیدن به هدف مطلوب ایجاد اجتماع سیاسی و آزادی انسان در ضمن تربیت او تحقق می‌یابد. شهید بهشتی نیز نقش آزادی و اختیار را مطرح کرده و معتقد است نقش تهذیب نفس به‌عنوان عاملی برای تربیت سیاسی شهروندان را باید به احزاب سیاسی سپرد (پورفرد، ۱۳۸۷). سلحشوری، یداللهی‌فر و خنکدار طارسی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داده‌اند امام خمینی (ره) با توجه به نگاه اسلامی، موضوع سیاست را تربیت دانسته و تربیت سیاسی را عبارت از روی آوردن آگاهانه و آزادانه به سمت ارزش‌های الهی معرفی کرده است. در این دیدگاه، عمده‌ترین مبانی تربیت سیاسی عبارت‌اند از: توحیدمحوری، فطرت‌محوری، تزکیه‌محوری و اخلاق‌مداری؛ همچنین مؤلفه‌های تربیت سیاسی عبارت‌اند از: آگاهی، خودشناسی، آزادی، استقلال و عدالت (سلحشوری، یداللهی‌فر و خنکدار طارسی، ۱۳۹۱). افتخاری و مهجور (۱۳۹۵) در پژوهش خود، ضمن بررسی مفهوم تربیت سیاسی و بیان تفاوت آن با جامعه‌پذیری سیاسی و اخلاق سیاسی، مبانی، اهداف، عوامل مؤثر، عناصر، روش‌ها و آسیب‌های فراسوی تربیت سیاسی در اندیشهٔ شهید مطهری را تبیین کرده‌اند. براساس اندیشهٔ شهید مطهری، تربیت سیاسی در اسلام، دارای رویکرد چندعاملی یا تعاملی است و سه پایهٔ اصلی تربیت سیاسی در اسلام، عبارت از حکومت، خانواده و عالمان دینی هستند که تربیت سیاسی در پی تعامل آن‌ها با یکدیگر و ایفای نقش صحیح هریک از آن‌ها محقق می‌شود.

در ایران پس از انقلاب اسلامی، اگرچه به موضوع تربیت سیاسی پرداخته شده است، با توجه به یافته‌های پژوهش‌ها هنوز فاصلهٔ زیادی از هدف تعریف‌شده وجود دارد که با خلق ادبیات متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، دارای قابلیت غنابخشی است. در پی بررسی پیشینهٔ پژوهش درمی‌یابیم آنجا که به تلقی بزرگانی همچون امام خمینی، شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید صدر از تربیت سیاسی پرداخته شده است، جای خالی این تدقیق از حیث اندیشه و سیرهٔ عملی دیگر سیاستمداران نیز دیده می‌شود؛ حال آنکه این کنکاش دربارهٔ سیاستمداران اخلاق‌مند، اثری عمیق‌تر و کارآمدتر در عرضهٔ مؤلفه‌های تربیت

سیاسی دارد، شاخصه‌هایی کاربردی را برای آن به دست می‌دهد و ظرفیت الگوپذیری بهتری را نیز فراهم می‌کند؛ زیرا گویی این مؤلفه‌ها در میدان عمل نیز آزموده شده‌اند؛ بدین ترتیب، در این پژوهش، اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی را به‌عنوان سیاستمداری اخلاقمند بررسی کرده‌ایم که در عرصه تربیت رسمی نیز گام برداشته‌اند. ایشان به تعبیر رهبر معظم انقلاب، سیاستمداری صادق هستند^۱ و دو ویژگی به‌ظاهر پارادوکسیکال سیاست‌ورزی و صداقت را با هم درآمیخته‌اند؛ لذا جنبه نوآورانه این پژوهش از آن جهت است که در آن، بررسی مؤلفه‌های تربیت‌یافتگی سیاسی برحسب اندیشه‌ها و عمل سیاسی آن عالم فقید و همچنین عرضه الگویی عملی برای سیاستمداران و عموم مردم صورت گرفته است. سؤال اصلی پژوهش، آن است که مؤلفه‌های تربیت‌یافتگی سیاسی در اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی کدام‌اند.

روش پژوهش

برای انجام‌دادن پژوهش حاضر از روش تحلیل مضمون استفاده شده که از نظر برنارد برلسون^۲ عبارت است از «روشی برای مطالعه عینی، کمی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی (محتوای آشکار پیام) جهت رسیدن به تفسیر» (کرپیندورف، ۱۳۷۸، ص. ۲۶). دو شرط عینیت و نظام‌داربودن، قابلیت تکرار این روش را نشان می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که دیگر پژوهشگران نیز می‌توانند با استفاده از روش‌های یکسان و اطلاعات مشابه، به نتایج مشابه برسند (سرمد، ۱۳۷۹، ص. ۳۹۰). این روش پیش‌از همه، درباره متن‌های مکتوب، کاربرد دارد و از این لحاظ، تمام گونه‌های سند همچون کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، نطق‌های پارلمانی، موعظه‌های مذهبی، اعلان‌ها، شعارها و جزوه‌های تبلیغاتی را می‌توان تابع این روش قرار داد (طاهری، ۱۳۸۰، ص. ۱۷۰). در این روش، عناصر موردنظر گردآوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شوند و از این روی، پژوهشگر می‌کوشد با

۱. برگرفته از پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی - مُدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي - در پی ارتحال حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (ره):

[ایشان] همه جا و همه وقت در موضع یک عالم دینی و یک سیاستمدار صادق و یک انقلابی صریح ظاهر شد و هرگز ملاحظات شخصی، و انگیزه‌های جناحی و قبیله‌ای را به حیطة فعالیت‌های گسترده و اثرگذار خود راه نداد.

استفاده از این روش، نمادهای ارتباطی را به صورت نظام مند و تکرارپذیر تجزیه و تحلیل کند.

تحلیل مضمون، زمانی صورت می‌گیرد که پیشینه پیام‌های مربوط به آن دسته از بازیگرانی که پژوهشگر، درصدد مطالعه درباره آن‌هاست، به صورت مادی در دسترس باشد. منظور از این پیشینه، مطالب مندرج درباره سیاست یا سیاستمداران در کتاب‌ها، مطبوعات، متون سخنرانی‌ها، اسناد دولتی، یادداشت‌های غیررسمی و حتی نامه‌ها و خاطرات است (سیدامامی، ۱۳۹۱، ص. ۳۸۱). در پژوهش حاضر، این مسئله امکان‌پذیر بود و به همین دلیل، به منظور استخراج ابعاد مفهومی و مؤلفه‌های اصلی موضوع، پژوهش پس از مطالعه و بررسی انواع فنون، براساس روش تحلیل مضمون صورت گرفت؛ بدان معنا که ابتدا از طریق مطالعه مرتبط‌ترین آثار مکتوب برجای مانده از آیت‌الله مهدوی کنی، مشتمل بر مباحث تربیت سیاسی به شیوه نمونه‌گیری هدفمند (جدول‌های ۱ تا ۳)، نزدیک به دو بیست عنوان فیش تهیه و پس از پالایش اولیه، مطالب غیرمرتبط با موضوع، کنار گذاشته و مطالب مرتبط با موضوع تحقیق گردآوری شد. در نهایت، از رهگذر این پالایش، حدود ۱۲۰ فیش باقی ماند.

جدول ۱. کدگذاری کتب مرتبط با آیت‌الله مهدوی کنی

کد کتاب	نویسنده (تدوین کننده)	نام اثر
۱	آیت‌الله مهدوی کنی	علم و عمل ایمانی
۲	آیت‌الله مهدوی کنی	عقل و دین
۳	آیت‌الله مهدوی کنی	دوازده گفتار
۴	غلامرضا خواجه‌سروی	خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی
۵	نادر جعفری هفت‌خوانی	سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی
۶	محمد رضا کائینی	ماهنامه فرهنگی - تاریخی شاهد یاران (مصاحبه‌ها)
۷	دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی (ره)	مجموعه مصاحبه‌های تاریخ شفاهی زندگی و زمانه آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

جدول ۲. کدگذاری مصاحبه‌های ماهنامه شاهد یاران

نام مصاحبه‌شونده	کد	نام مصاحبه‌شونده	کد
دکتر محسن الویری	۶۱	آیت‌الله علم‌الهدی	۶۵
دکتر اسدالله بادامچیان	۶۲	دکتر سعید مهدوی کنی	۶۶
آیت‌الله حائری شیرازی	۶۳	آقای حسین مهدیان	۶۷
دکتر حداد عادل	۶۴	آیت‌الله عبدالنبی نمازی	۶۸

جدول ۳. کدگذاری مصاحبه‌های تاریخ شفاهی زندگی و زمانه آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

نام مصاحبه‌شونده	کد	نام مصاحبه‌شونده	کد
حجت‌الاسلام محمد مهدی اسلامی	۷۱	آقای محمد مهدی عبدخدایی	۷۵
آیت‌الله باقری کنی	۷۲	سردار دکتر آیت گودرزی	۷۶
دکتر میرمهدی سیداصفهانی	۷۳	آقای عزت‌الله مطهری (عزت‌شاهی)	۷۷
دکتر علی سیفیان	۷۴	آقای محمدحسین یزدان‌پناه	۷۸

در مرحله بعد، پژوهشگران به تحلیل مضمون فیش‌های یادشده اقدام کردند و پس از استخراج مضامین، در مرحله نهایی تحلیل، تعدادی از مضامین دارای اشتراک و نزدیکی بیشتر را تحت یک عنوان کلی‌تر به نام «مفهوم» که پوشش‌دهنده تعدادی از آن‌ها باشد، دسته‌بندی کردند (به‌عنوان نمونه ر.ک: جدول ۴). برای شفافیت و عینیت فرایند رسیدن به مفاهیم در بخش یافته‌ها تحلیل همراه با شواهد آمده است.

جدول ۴. نمونه‌ای از روند شناسایی مضامین و مفاهیم در پژوهش

مفهوم	مضمون	فیش‌ها (واحد تحلیل)
قانونمندی	اجتناب از قانون‌شکنی	من به‌عنوان یک فقیه و وزیر کشور می‌گویم که ریختن آشغال در نهر در این موقعیت، گناه کبیره است (منبع ۵، ص. ۴۸).
		حاج احمدآقا مکرر به من تلفن می‌زد و می‌گفت: «حالا به‌خاطر آقای لاهوتی، او را بردار». گفتم: «باینکه با ایشان دوست هستم؛ اما به‌خاطر دوستی، کاری را انجام نمی‌دهم». یک بار هم به حاج احمدآقا گفتم: «درست است شما فرزند امامی؛ ولی ما انقلاب کردیم که ضوابط را بر روابط حاکم کنیم. من نماینده دولت و برخلاف ضوابط، کاری انجام نمی‌دهم؛ مگر آنکه حضرت امام دستور بدهند مرا از اینجا بردارند و می‌دانم که امام چنین دستوری را نمی‌دهند؛ زیرا ایشان به حق‌کشی رضایت نمی‌دهند» (منبع ۴، ص. ۲۳۰).

عمل کردن شورای نگهبان می‌گوید: «طبق قانونی که در دست است، باید افراد واجد بر مبنای صلاحیت را انتخاب کنیم». مگر شما نمی‌گویید قانون‌مدار باشیم؟ ما باید همین قوانین را اجرا کنیم. قانون گفته: «از نامزدهای خبرگان، مدرک اجتهاد بخواهید و آن‌ها که مدرک ندارند، باید امتحان بدهند» (منبع ۱، ص. ۱۳۹).

بنده در مسائل سیاسی کشور، در بعضی موارد، شخصاً نظراتی داشتم که در شورای انقلاب، نظر شخصی خود را مطرح می‌کردم؛ ولی آنچه در شورا تصویب می‌شد، آن را عمل می‌کردم و اگر مصوبه‌ای نبود، ناگزیر، طبق آنچه مصلحت می‌دیدم، عمل می‌کردم؛ چون خیلی چیزها در آن زمان، مصوبه نداشت؛ ولی اگر دستور بود، من آن دستور را انجام می‌دادم (منبع ۴، ص. ۲۱۵).

جلوگیری از با این کارهای حاد ما و کارهای بگروبیند ما خیلی موافق نبود و یکی از بی‌قانونی مشکلاتی که ما با هم داشتیم، همین بود که می‌گفت: «شما بیخودی مردم را می‌گیرید» (منبع ۷۷، مورخ ۱۳۹۷/۲/۱۰).

صریحاً اعلام کردند: «من چنین حسابی را دستور ندادم؛ لذا به مردم اعلام می‌کنم که این کار، خلاف رضایت امام است و کار درستی نیست. کارهایی هم که تا حالا شده، از نظر دینی و قانونی، صحیح نیست و من به ایشان هم اخطار می‌کنم که تا ۲۴ ساعت، کمیته خودشان را منحل نکنند و نیروهای خودشان را با سلاح‌هایی که دارند، تحویل کمیته مرکزی بدهند و اگر هم نکردند، ما آن وقت ناگزیریم آن‌ها را خلع سلاح کنیم» (منبع ۴، ص. ۲۵۴).

در تمام مراحل، سه عمل کاهش، دست‌چین کردن و جداسازی که استرن^۱ در فرایند رسیدن به یافته‌ها در پژوهش کیفی، آن‌ها را اصل می‌داند، مدنظر قرار گرفته است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۲-۱۶۳).

یافته‌های پژوهش

برای انجام دادن پژوهش، پس از مطالعه منابع و فیش‌برداری از آن‌ها، به منظور کاهش دادن حجم پژوهش برای عرضه آن به صورت مقاله، برخی مضامین و مفاهیم با یکدیگر ادغام و تلفیق شدند و در نهایت، به چهارچوبی بدین شرح دست یافتیم:

۱. شرع محوری

۱-۱. التزام به ادای تکلیف

آیت‌الله مهدوی کنی همواره خود را سرباز انقلاب می‌دانستند و ضمن اولویت‌دادن نظام بر منافع خویش، هرگاه احساس تکلیف می‌کردند، پا پیش می‌گذاشتند و مسئولیت‌ها را می‌پذیرفتند؛ البته به آن شرط که شایستگی و مشروعیت لازم را داشته باشند و مصلحت بر حضور ایشان حکم کند.

در مورد ریاست مجلس خبرگان هم حاج‌آقا واقعاً معتقد بودند که این یک غنیمت نیست؛ بلکه ادای تکلیف است؛ کما اینکه اصل ورود حاج‌آقا به خبرگان براساس تکلیف بود؛ چون آقایان گفتند: «با ازدنیارفتن چند شخصیت بزرگ مثل آیت‌الله مشکینی، وضع مجلس خبرگان به گونه‌ای است که اگر خدای ناکرده، حادثه‌ای اتفاق بیفتد، رأی این جمع برای اینکه یک نفر دیگر را تعیین کنند، از طرف مردم و مراجع، وزن و حجیت لازم را ندارد و اگر کسی مثل شما بیاید و تأیید کند، همه حجت دارند و مراجع هم شما را می‌پذیرند». حاج‌آقا می‌گفتند: «من هرگز خودم را به رأی دیگران نگذاشته بودم؛ اما اینجا چون احساس کردم تکلیف شرعی است، به میدان آمدم» (منبع ۶۶، ص. ۴۱).

۲-۱. پابندی به اصل ولایت فقیه

ایشان ولایت فقیه را اصلی مسلم و مبتنی بر آموزه‌های اسلام می‌دانستند و از این جهت، ضمن التزام عملی به این اصل و تبعیت از ولی فقیه در جامعه دینی، هرگاه لازم می‌دانستند، از آن دفاع می‌کردند؛ زیرا معتقد بودند این اصل، از ارکان اقتدار نظام جمهوری اسلامی است که اقتدار اسلام را در نظام‌سازی نشان می‌دهد.

در انتخابات دوره هفتم، حرفم این بود که کلمه «رهبر» که در این روزنامه‌ها می‌آید، کاشف از این است که این‌ها حاضر نیستند کلمه «ولایت فقیه» را ذکر کنند و این نمی‌تواند بی‌علت باشد و ساده‌اندیشی است که ما از کنار این موضع‌گیری‌ها بی‌تفاوت بگذریم و به دست خودمان انقلاب را در اختیار ناهلان قرار دهیم (منبع ۴، ص. ۳۴۱). حاج‌آقا خود را مستقل می‌دانستند و بحث که می‌شد، می‌فرمودند: «به‌خاطر فرمایش امام مبنی بر حمایت از دولت، تضعیف دولت را جایز نمی‌دانم؛ اما معنایش تأیید عقاید دولت نیست» (منبع ۶۶، ص. ۴۰).

۳-۱. رعایت حق الناس

در جامعه دینی، مردم حق مالکیت دارند و رعایت کردن حقوق ایشان بر مسئولان و حاکمان، واجب است. آیت الله مهدوی کنی در امور مربوط، حتی در بحبوحه انقلاب که به دلیل تغییر وضعیت، کنترل کردن بسیاری از امور، دشوار شده بود، در رعایت حق الناس و مالکیت ایشان تذکر می داد و خود در هر جایگاهی قرار می گرفت، به این اصل عمل می کرد.

مثلاً کلی هزینه می کردیم تا یک جایی مثلاً انبار مشروبات الکلی پیدا می کردیم و با کامیون می رفتیم در انبار و مشروباتش را می آوردیم. آقای مهدوی می گفت که «این، مشروبش نجس است؛ اما شیشه اش که نجس نیست؛ مالکیت دارد. این ها را شما در چاه خالی کنید و شیشه اش را بدهید ببرد» (منبع ۷۷، مورخ ۱۳۹۷/۲/۱۰).

۲. اخلاق مداری

۱-۲. اعتدال پایدار

بر اساس شهادت کسانی که شناختی عمیق از شخصیت آیت الله مهدوی کنی داشتند، پرهیز از افراط و تفریط، یکی از مهم ترین صفاتی است که می توان به ایشان نسبت داد. این اعتدال، در رعایت تقوا، ادب و انصاف در موضع گیری های سیاسی و همچنین صراحت و صداقت ایشان در نقد کردن افراد و گروه های سیاسی، آشکارا نمایان است. انسان تقوا داشته باشد، بسیاری از حرف ها را نمی زند. اگر انسان تقوا داشته باشد، در رابطه با گفته های دیگران، زود موضع منفی نمی گیرد و تحلیل بد نمی کند. تقوا باعث می شود که انسان مقداری تأمل و تفکر و تحقیق و بررسی کند و کسی را بی دلیل محکوم نکند (منبع ۲، ص. ۱۵۳).

۲-۲. جذب حداکثری

روحیه دفع حداقلی و جذب حداکثری، یکی از شاخص های اصلی اخلاق مداری در سیره سیاسی و تربیتی آیت الله مهدوی کنی است که می توان آن را محصول دو ویژگی مدارا با مخالفان و همچنین اجتناب از تخریب دیگران دانست. یکی از خصوصیات آیت الله مهدوی کنی این بود که در عین قاطعیت و انقلابی بودن، دافعه شان زیاد نبود و با مخالفان خودشان هم حداقل امکان ارتباط داشتند. حتی مخالفان هم احترام ایشان را لازم می دانستند و نیز باور داشتند که ایشان از روی اصول عمل

می‌کنند؛ مثلاً ایشان از همان اول انقلاب، نوع نگاهشان با مهندس بازرگان و همچنین بعدها با دوم‌خردادی‌ها متفاوت بود و با جریان چپ هم مرزهای روشن و دقیقی داشتند؛ ولی درعین حال، هیچ وقت نه آیت‌الله مهدوی به آن‌ها توهین می‌کرد و نه این‌گونه بود که آن‌ها احترام ایشان را نگه ندارند (منبع ۶۴، ص. ۵۶).

۲-۳. اخلاص در سیاست‌ورزی

برای افرادی همچون آیت‌الله مهدوی کنی که خاستگاه اصلی‌شان آموزه‌های ناب اسلام است، عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در چهارچوب مبانی تربیتی و اخلاقی اسلامی، معنا می‌یابد و سیاست ایشان به تعبیر مرحوم شهید مدرس، عین دیانت است؛ لذا پیوند میان اخلاص (به‌عنوان مبنایی تربیتی و اخلاقی در اسلام) و سیاست در سیره سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی، آشکارا مشاهده می‌شود. تمایل ایشان به گمنامی درعین داشتن مسئولیت‌های مهم سیاسی را می‌توان از شاخص‌های مهم این موضوع به‌شمار آورد.

درعین حال که کارهای بزرگ داشتیم؛ ولی در همان کارهای بزرگ هم خودم را نشان نمی‌دادم. من بالطبع، این‌گونه بودم. شاید همین الان هم همین‌طور باشد و به همین جهت، من در آن روزی که امام تشریف آوردند، با اینکه جزو شورای انقلاب بودم و قاعدتاً باید با دوستان دیگر جلو باشم؛ ولی آنجا هم جلو نبودم (منبع ۴، ص. ۱۱۶).

۲-۴. نتیجه‌محوری به جای نیت‌خوانی

آیت‌الله مهدوی کنی معتقد بود در عرصه سیاسی-اجتماعی، مسئله مهم، نتیجه عمل است؛ نه نیت افراد. به عقیده ایشان، از آنجا که اساساً خواندن نیت افراد، نه ممکن است و نه مطلوب، چاره‌ای نیست جز اینکه نتیجه اقدامات و عملکرد ایشان نقد و ارزیابی شود. به گفته ایشان: «آثار قهری و وضعی موضع‌گیری‌های سیاسی-اجتماعی، سهو و عمد نمی‌شناسد. حسن نیت و سوء نیت در این موارد، در بازتاب قهری مواضع، تأثیری ندارد و حسن نیت، اشتباه و خطا را به صواب و ثواب مبدل نمی‌کند» (منبع ۲، ص. ۱۷۷).

۳. قانونمندی

۳-۱. اجتناب از قانون‌شکنی

آیت‌الله مهدوی کنی درعین حال که وضعیت انقلابی برای انجام‌دادن بسیاری از امور به صورت غیرقانونی یا فراقانونی برایشان مساعد بود، به‌گواه خود ایشان و یارانشان در کمیته‌ها و دیگر بخش‌ها از انجام‌دادن اعمال غیرقانونی، قویاً اجتناب می‌کردند.

این بود که بنده بیانیه‌ای هفده ماده‌ای صادر کردم. الان ماده‌هایش درست یادم نیست. فقط این قدر یادم است که گفتیم: «انقلاب شد که کارهای بی‌منا و کارهای مبتنی بر قدرت و زور که انسان در سایه قدرتی بحق یا ناحق، کاری برخلاف انجام بدهد، از بین برود. زمان شاه، عده‌ای زیر سایه شاه می‌آمدند و می‌گفتند: "زیر سایه اعلی حضرت همایون" و هر کاری را که می‌خواستند، انجام می‌دادند؛ اما حالا بعد از اینکه انقلاب شده، آیا صحیح است که ما در زیر سایه امام که بر مبنای دین، دیانت و عدالت و اسلام انقلاب کرده، هر کاری را که دلمان می‌خواهد، بدون اجازه و قانون انجام بدهیم؟» (منبع ۴، ص. ۲۵۴).

۲-۳. عمل کردن بر مبنای قانون

می‌توان یکی از مهم‌ترین اصول گذار از دوران انقلاب به نظام‌سازی را تقید انقلابیون به عمل کردن بر مبنای قانون دانست. پایبندی آیت‌الله مهدوی کنی به این اصل، آن‌هم در امور انتظامی و امنیتی، یکی از شاخص‌های اصلی در سیره تربیتی و سیاسی ایشان به‌شمار می‌آید. بنده از اینجا که مصوبه شورای انقلاب را اجرا می‌کردم، متهم به محافظه‌کاری می‌شدم. یک روز به شهید بهشتی گفتم: «آقا! شما این مصوبات را تصویب می‌کنید و به دست من می‌دهید. این را اقل‌اعلام کنید!»؛ چون آن زمان اعلام و حتی گاهی مکتوب هم نمی‌شد؛ به‌طور شفاهی می‌گفتند: «آقا این کار را بکنید! این کار را نکنید!». می‌گفتم: «اقل‌اعلام شما بیاید اعلام کنید! شما فتوایش را می‌دهید؛ من اجرا می‌کنم؛ بعد من می‌شوم محافظه‌کار و شما می‌شوید انقلابی!» (منبع ۴، ص. ۲۳۵).

۳-۳. جلوگیری از بی‌قانونی

عملکرد آیت‌الله مهدوی کنی در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی که طبعاً به دلیل وضعیت آن دوران، مشحون از کارهای تند و خلاف قانون بود، گواه آن است که یکی از خط قرمزهای اساسی ایشان هم در مدیریت کمیته‌های انقلاب اسلامی و هم در وزارت کشور، جلوگیری از فعالیت‌های غیرقانونی افرادی بود که به‌بهانه وضعیت انقلابی، به دنبال دستیابی به منافع خود بودند. در این زمینه، در منبع ۷۷ درباره ایشان آمده است: «با این کارهای حاد ما و کارهای بگیر و ببند ما خیلی موافق نبود و یکی از مشکلاتی که ما با هم داشتیم، همین بود که می‌گفت: "شما بیخودی مردم را می‌گیرید"» (منبع ۷۷، مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۰).

۴. انقلابی بودن

۴-۱. داشتن ششم سیاسی

زمانه‌شناسی و جریان‌شناسی سیاسی، از شاخص‌ترین ویژگی‌های شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی است؛ به‌گونه‌ای که ایشان عاقبت بد برخی افرادی را که در ابتدا بسیار مورداعتماد بودند و تحت حمایت جریان حزب‌اللهی در کشور قرار داشتند، پیش‌بینی کرده بودند.

در بُعد سیاسی، ایشان می‌فرمود که «من ششم سیاسی دارم. همین‌که بو می‌کشم، آخر یک مطلب را می‌فهمم که چه خبر است». بارها و بارها موارد متعددی بوده است که ایشان پیش‌بینی‌هایی کردند و بعد از مدتی در زمان خودش همان پیش‌بینی حاج‌آقا اتفاق افتاده است (منبع ۷۱، مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۱).

بنده قبل از انتخابات دوره ششم احساس خطر می‌کردم؛ چون می‌دیدم برخی از مدیران و مسئولان که در متن نظام و در دولت هستند و بودند، مطالبی را اظهار می‌دارند. گویا بعضی از اصول قانون اساسی برایشان قابل قبولشان نبود و گاهی به طرفداری از دولت آقای هاشمی، رهبری را زیر سؤال می‌بردند و رهبری را مزاحم می‌دیدند؛ به‌خصوص بعد از اینکه جریان کارگزاران و این حرف‌ها پیش آمد و گروه دوم‌خردادی‌ها نیز به آن‌ها پیوستند و جبهه واحدی تشکیل دادند، من در این جریان که روزبه‌روز پیش می‌رفت، احساس می‌کردم که جریان، جریانی معمولی نیست؛ از این رو، در بعضی از سخنرانی‌هایم که من واقعاً احساس خطر می‌کردم، همان احساس خطری که در مشروطه می‌شد (منبع ۵، ص. ۳۶۵).

۴-۲. جرئت و جسارت انقلابی

دفاع از اصل نظام و انقلاب و همچنین تبعیت و حمایت از رهبری، در بسیاری از اوقات موجب می‌شود افراد آبروی خود را در این راه هزینه کنند. آیت‌الله مهدوی کنی در صحنه‌های مختلف که فتنه‌ها فضا را غبارآلود و تشخیص دادن حق از باطل را دشوار می‌کرد، با ورود خود، از اصل نظام و انقلاب دفاع می‌کردند و تبعیت و حمایت کامل خویش از رهبری نظام را اظهار می‌داشتند. ایشان اذعان داشته‌اند:

عامل اصلی و اساسی ورود جدی من در این انتخابات هم همین بود که من احساس کردم محور وحدت در انقلاب موردحمله قرار گرفته است و اگر حریم این محور

وحدت حفظ نشود، انقلاب از بین می‌رود. شما مطمئن باشید که حفظ همه ارزش‌های این انقلاب، منوط به حفظ محور ولایت است (منبع ۲، ص. ۱۶۸).

۳-۴. قاطعیت در اجرا

معمولاً مشورت کردن با دیگران در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری توصیه می‌شود؛ اما در مرحله اجرا، قاطعیت باید مبنای عمل قرار گیرد. عمل کردن بر مبنای منطق به جای احساسات، در نظر گرفتن اصل نظارت بر عملکرد اشخاص، و به کارگیری افراد متخصص و باتقوا از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که در حوزه اجرا به کمک قاطعیت می‌آید و با استفاده از آن می‌توان کارها را به سرانجام مطلوب رساند.

وقتی که یک مدیر و یک رهبر تصمیمی گرفت، نباید از این تصمیم برگردد؛ و آلا مردم حالت تزلزل و دودلی پیدا می‌کنند. شما در مدیریت دانشگاه هم وقتی بخواهید کاری انجام دهید، نخست تأمل کنید، مشورت کنید و فکر کنید، و پس از اینکه تصمیم گرفتید، دیگر دست از تصمیم خود برندارید (منبع ۱، ص. ۱۶۶).

۴-۴. خدمت کردن به مردم

در اولویت قراردادن خدمت به مردم پس از انجام دادن واجبات و ترک محرّمات، از توصیه‌های اساسی بزرگان دینی است و آیت‌الله مهدوی کنی در سیره تربیتی و سیاسی خویش، تمام و کمال به این توصیه عمل کرده‌اند. ایشان خود گفته‌اند: «پس از معرفت‌الله و پرستش خدا، بهترین عبادت، خدمت به بندگان خدا به خصوص مؤمنان و صالحان است؛ پس همواره درصدد رفع مشکلات مردم باشید و با کسانی که به شما مراجعه می‌کنند، خوب برخورد کنید» (منبع ۲، ص. ۹۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، درصدد یافتن مؤلفه‌های تربیت سیاسی مبتنی بر اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی بوده‌ایم. علت انتخاب این موضوع، آن بود که این سیاستمدار صادق در عرصه‌های مختلف و متعدد سیاسی همچون کمیته‌های انقلاب، شورای حل اختلاف سران قوا، وزارت کشور، نخست‌وزیری و شورای نگهبان حضور داشته و فردی معتدل و اخلاق‌مدار شناخته شده و مهم‌تر از همه اینکه تأسیس دانشگاه امام صادق (ع) و ریاست این مرکز را به‌عنوان یک نهاد تربیتی برعهده داشته است؛ بنابراین، موضوعی مناسب برای

پژوهش محسوب می‌شود؛ زیرا از حیث عملی و ملموس، ظهور آرا و اندیشه ایشان نیز قابل محک‌زدن و اعتباریابی است و بدین ترتیب، پژوهش حاضر را با بررسی منابع موجود انجام دادیم که به صورت هدفمند، ذیل سؤال پژوهش انتخاب و پایش شدند. پژوهشگران ضمن تأکید بر تطابق نظرات آیت‌الله مهدوی کنی در حوزه تربیت سیاسی با سیره عملی ایشان به نتایج زیر دست یافته‌اند:

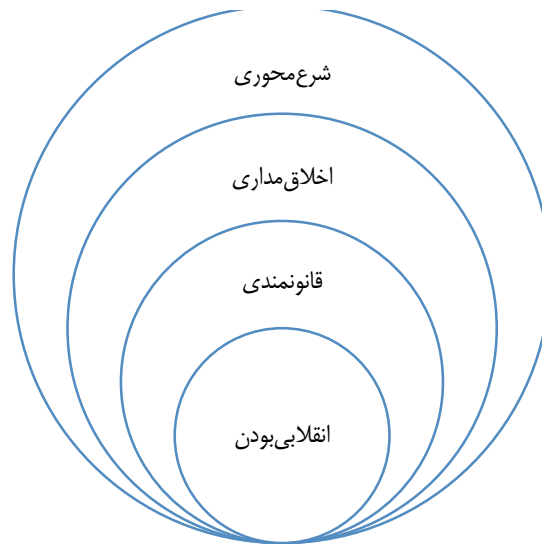
در اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی، شرع‌محوری، اساس تربیت یافتگی سیاسی به شمار می‌آید؛ بنابراین، حضور در عرصه سیاسی، ادای تکلیفی است که به شرط احراز شایستگی بر هرکسی واجب می‌شود و در راستای این وظیفه، منافع جمعی و منافع نظام بر منافع شخصی برتری دارد. برای قوام نظام، پایبندی به اصل ولایت فقیه که برخاسته از اندیشه شیعی است، به اقتدار دین اسلام در نظام‌سازی اشاره می‌کند که مهم‌ترین التزام در خدمت و قوام‌بخشی به نظام است. از نکات قابل توجه در این مؤلفه، رعایت کردن حق الناس به‌عنوان واجبی شرعی است که در هر وضعیتی باید آن را لحاظ کرد تا به مردم آسیبی نرسد.

در اینجا اخلاق‌مداری به‌عنوان یکی از دیگر ارکان ملتزم به اصول شرع، ظاهر می‌شود. اخلاق سیاسی بر مبنای اعتدال، جذب حداکثری، اخلاص و نتیجه‌محوری بنیان نهاده می‌شود و پرهیز از افراط و تفریط، میانه‌روی پایدار را در پی دارد؛ البته این بدان معنا نیست که موضع‌گیری فراموش شود؛ بلکه صراحت لهجه و نقد منصفانه توأم با ادب، باعث جذب حداکثری می‌شود؛ زیرا این کار، به نوبه خود، نمایی از خیرخواهی است. تکمله این ویژگی، اخلاص است. شاید یکی از لغزشگاه‌ها در عرصه سیاست، نمایش‌دهی مداوم امور باشد که سیاستمدار را در معرض ریاکاری قرار می‌دهد؛ بنابراین، میل به گمنامی، نشانی از اخلاص است که به نتیجه عمل، رنگ الهی می‌بخشد؛ در عین حال، دینداری و اخلاق‌مداری، سیاستمداران را از کنکاش در عقاید و نیت‌ها برحذر می‌دارد و آنچه به‌عنوان شاخصه عینی در ارزیابی دیگران عرضه می‌کند، توجه به نتیجه‌ها و خودداری از کنکاش در نیت‌هاست.

استواری نظام بر پایه قانونمندی است که نباید از دو مؤلفه سابق عبور کند. اجتناب از قانون‌شکنی، ماندن در چهارچوب‌های قانونی و تنظیم اقدامات بر اساس آن، به‌ویژه وقتی

خود فرد، مجری یا قانون‌گذار است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود که می‌تواند حریم قانون را حفظ و آن را نهادینه کند. فرد متعهد به قانون باید همچون دیده‌بانی هوشیار، بی‌قانونی‌های موجود را رصد و با رعایت ضوابط اخلاقی و قواعد شرعی پیشگیری یا توییح کند.

از دیگر مفاهیم اساسی در این پژوهش، انقلابی‌بودن است که گاه با تندروری فهمیده می‌شود؛ حال آنکه انقلابی‌بودن اگر مبتنی بر شرع، اخلاق و قانون باشد، معنای دیگری خواهد یافت. به صورت طبیعی، انقلابی‌بودن، جرئت و جسارتی را می‌طلبد تا در هر وضعیتی فرد با دفاع از اصل نظام و انقلاب، و تبعیت و حمایت از رهبری به‌عنوان استوانه نظام بتواند حرکتی مناسب را ایجاد کند. در این میان، زمانه‌شناسی و جریان‌شناسی به‌سان شاخه‌های فرقان، شمس سیاسی را تقویت می‌کند و مسیر درست را با مبانی صحیح نشان می‌دهد. آن‌گاه مبتنی بر شناخت و باور صحیح، عمل قاطع برای خدمت به مردم، باعث می‌شود آرامش و احساس امنیت خاطر از سیاستمداران حاصل شود و تنش‌ها به کمترین میزان برسد.



شکل ۱. رابطه مفاهیم ذیل تربیت یافتگی سیاسی مبتنی بر اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

باوجود اینکه تاکنون، پژوهشی درباره تربیت سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی انجام نشده است، یافته‌های این مقاله با پژوهش سلحشوری، یداللهی فر و خنکدار طارسی (۱۳۹۱) همسویی دارد؛ زیرا ارزش‌های الهی از نگاه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، راهنمای تربیت سیاسی هستند و توحیدمحوری و اخلاق‌مداری درضمن عدالت موردنظر گرفته است.

در پایان پیشنهاد می‌شود:

- یافته‌های این پژوهش به‌عنوان راهنما در برنامه‌ریزی مجتمع‌های آموزشی- فرهنگی وابسته به جامعه‌الامام الصادق (ع) مدنظر قرار گیرد.
- پژوهش‌هایی برای تنظیم شاخص مبتنی بر مؤلفه‌های عرضه‌شده انجام شود.
- ویژگی‌های تربیت‌یافتگی سیاسی از نظر دیگر سیاستمداران بررسی شود تا ضمن شناخت الگوهای اندیشه‌ای و رفتاری آنان بتوان به الگویی جامع برای تربیت سیاسی مناسب در نظام جمهوری اسلامی ایران دست یافت.

منابع

- احمدی، سهرکاو (۱۳۸۹). بررسی رویکردهای تربیت سیاسی در دوره ابتدایی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
- افتخاری، اصغر؛ و مهجور، حمید (۱۳۹۵). الگوی تربیت سیاسی ازدیدگاه شهید مطهری. فصلنامه رهیافت، ۱۰(۳۶)، ۷۷-۹۸.
- امینی، محمد؛ صدیق ارفعی، فریبرز؛ و قدمی، ملوک (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه ازدیدگاه دبیران و دانش‌آموزان (مطالعه موردی: شهر کاشان). دوماهنامه دانشور رفتار، ۱۶(۳۶)، ۴۱-۵۴.
- امینی زرین، علی‌رضا (۱۳۹۹). نگاهی نو به تعلیم و تربیت سیاسی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بابلی، عزیزالله (۲۶ مهر ۱۳۹۴). تربیت سیاسی چیست؟ نقش نهاد آموزش و پرورش در تربیت سیاسی چگونه است؟. سایت رسمی صدای معلم. <https://sedayemoallem.ir>. تاریخ مشاهده: ۱۵ مهر ۱۴۰۰.
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۷). تربیت سیاسی ازمنظر شهیدان مطهری، صدر و بهشتی. فصلنامه راه تربیت، (۵)، ۱۲۳-۱۵۴.

جعفری هرندی، رضا؛ و نجفی، حسن (۱۳۹۸). تربیت اجتماعی و سیاسی به روایت کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نظری ایران. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۴(۵۲)، ۱۵۹-۱۸۴.

جعفری هفت‌خوانی، نادر (۱۳۹۳). سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی: مجموعه خطبه‌ها و سخنرانی‌های آیت‌الله مهدوی کنی در نماز جمعه تهران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
حمیدزاده، محمدصادق؛ ملکی، حسن؛ و بهشتی، سعید (۱۳۹۵). مبانی قرآنی معرفت‌شناختی برنامه درسی تربیت سیاسی. فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۴(۹)، ۳۳-۴۹.
خواججه‌سروی، غلام‌رضا (۱۳۹۶). خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی (ره). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

رنجبر، مقصود (۱۳۸۷). تربیت سیاسی در چارچوب نظام‌های سیاسی و نظریه‌های مختلف. راه تربیت، ۵(۵)، ۱۵۵-۱۷۵.

سرمد، زهره (۱۳۷۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
سلحشوری، احمد؛ یداللهی‌فر، محمدجواد؛ و خنکدار طارسی، معصومه (۱۳۹۱). مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی. فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲(۵)، ۱۱۱-۱۲۶.

سیدامامی، کاووس (۱۳۹۱). روش پژوهش در علوم سیاسی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
شکری، ساجده (۱۴۰۰). روایت مدیران از تربیت سیاسی دانش‌آموزان و تطبیق آن با اندیشه شهید صدر. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۰). روش تحقیق در علوم سیاسی. تهران: قومس.
طیبنیا، موسی؛ و نقدی، اسدالله (۱۳۹۱). بررسی مشارکت سیاسی دانش‌آموزان و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۳(۷)، ۵۷-۸۰.

عبدالله، عبدالمطلب؛ و زارع، ملیحه (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی شهروندان (نمونه موردی: شهر شیراز). دوفصلنامه دانش سیاسی، ۱۳(۲۳)، ۱۲۳-۱۵۰.
فاضلی، میرزاحسین (۱۳۹۰). جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از منظر آیت‌الله نایینی و شهید صدر. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

کائینی، محمدرضا (۱۳۹۴). ماهنامه فرهنگی - تاریخی شاهد یاران. تهران: شاهد.
کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸). تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی (هوشنگ نایینی، مترجم). تهران: روش.

تربیت یافتگی سیاسی در اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی/ مریم برادران حقیر و میلاد موحدیان ۶۱

موسوی الیگودرزی، مهدی (۱۳۸۷). درآمدی بر تربیت سیاسی ازدیدگاه قرآن کریم. راه تربیت، ۴(۵)، ۷۱-۹۴.

مولایی، محمدرضا (۱۳۹۴). نقش رفتارهای نوع‌دوستانه و گرایش‌های مذهبی در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان دبیرستان‌های اردبیل. مجله روان‌شناسی مدرسه، ۴(۲)، ۱۰۴-۱۱۷.

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰ الف). دوازده گفتار: مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰ ب). عقل و دین: بیست گفتار در شناخت ابعاد معنوی حیات عقلانی انسان. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰ ج). علم و عمل ایمانی: بیست و دو گفتار در شناخت ابعاد کاربردی دین. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

نادری، عزت‌الله؛ و سیف نراقی، مریم (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم سیاسی (ویرایش ۶). تهران: ارسباران.

Brade, Raphael; and Piopiunik, Marc (2016). Education and Political Participation, CESifo DICE Report. ISSN 1613-6373, ifo Institut - Leibniz-Institut für Wirtschaftsforschung an der Universität München, München, 14(1), 70-73.

Pacho, T. O. (2014). Necessity of Political Education. *International Journal of Innovative Research and Studies*, 3(11), 10-17.

Stevens, Philip (1987). Political Education and Political Teachers. *Journal of Philosophy of Education*, 21(1), 75-83.

* مصاحبه‌های آرشیو دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی (ره):

مصاحبه با حجت‌الاسلام محمد مهدی اسلامی در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۱، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹ و ۱۳۹۶/۱۱/۲۱

مصاحبه با آیت‌الله باقری کنی در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۳

مصاحبه با دکتر میرمهدی سیداصفهان‌ی در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۹

مصاحبه با دکتر علی سیفیان در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ و ۱۳۹۷/۲/۶

مصاحبه با آقای محمد مهدی عبدخدایی در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

مصاحبه با سردار دکتر آیت‌گودرزی در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۴ و ۱۳۹۶/۶/۸

مصاحبه با آقای عزت‌الله مطهری (عزت‌شاهی) در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۱۰

مصاحبه با آقای محمدحسین یزدان‌پناه در تاریخ ۱۳۹۶/۵/۲۳

